

بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت

شیدا صابری *

محمدامیر شیخ نوری **

چکیده

زمزمه‌های ملی شدن صنعت نفت در سال ۱۳۲۸ ش/۱۹۴۹م با تشکیل جبهه ملی شنیده شد. جبهه‌ای که نیروهای گردآمده در آن، هر کدام نماینده یکی از اقشار اجتماعی ایران به شمار می‌رفتند. از سیاستمداران، کارمندان، روشنفکران جوان تا بازاریان، هسته اولیه جبهه ملی را شکل می‌دادند و در وقایع مربوط به ملی شدن صنعت نفت تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نقش مهمی برعهده داشتند. مطالعه نقش پایگاه سیاسی و اجتماعی بازار و بازاریان در این مقاله رویکردی است بر شناخت کنش و واکنش‌های مربوط به این قشر که در نهضت ملی شدن صنعت نفت چه برداشتی از تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت داشتند.

توجه به نهاد بازار به عنوان یکی از پایگاه‌های متصل به روحانیت و نهاد مذهبی، می‌تواند در شناخت رابطه دولت و بازار در آستانه ملی شدن صنعت نفت مؤثر باشد. مقاله پیش رو بر این استوار است که بازار در نهضت ملی شدن صنعت نفت و نخست‌وزیری مصدق نقش سیاسی و اقتصادی را بر عهده داشت و از یکسو با نیروهای سیاسی همراه شد و از طرف دیگر کمک‌های مالی و اقتصادی خود را در تأمین دولت مصدق به کار گرفت. همسویی و مشارکت عمومی بازاریان حول محور «حاکمیت ملی» و «استقلال»، از اهداف اصلی نهضت قرار داشت و تحقق حاکمیت ایران بر منابع و منافع ملی خود و کوتاه شدن دست بیگانه از دخالت بر امور داخلی خویش، برداشت بازاریان نسبت به ملی شدن صنعت نفت در بُعد سیاسی و اقتصادی تلقی می‌شد. با توجه به بیان این مسأله در مقاله، تحلیلی از واکنش بازار در نهضت ملی شدن صنعت نفت مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد.

واژه‌های کلیدی

بازار، بازاریان، نهضت ملی شدن نفت

* دانشجوی دکتری تاریخ معاصر ایران دانشگاه الزهرا (مسئول مکاتبات) sheida.abani@yahoo.com

** استاد گروه تاریخ، دانشگاه الزهرا Dr_sheikhnuri2000@yahoo.com

مقدمه

پرداخته است، تدوین و نگارش مقاله صورت گرفته تا سرآغاز تحقیق و مطالعه نقش نیروهای اجتماعی در رویدادهای سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر ایران باشد و به گستره مطالعات تاریخ اجتماعی ایران بیفزاید.

الف- نقش سیاسی-اجتماعی بازار

نهضت ملی شدن صنعت نفت حاصل تلاش، مبارزه و پیوند بسیاری از گروه‌ها، احزاب و نیروهای سیاسی-اجتماعی به شمار می‌رفت که با به قدرت رساندن مصدق به دنبال تحقق «حاکمیت ملی» و «استقلال» بودند. در میان این نیروها بازار، نهادی سیاسی-اجتماعی بود که از یک طرف در پیوند با روحانیت و از سوی دیگر اقشار اجتماعی و سیاسی ارتباط داشت. شبکه‌های ارتباطی بازار متنوع و متفاوت بود. علی‌رغم سرمایه مالی که در اختیار بازار قرار داشت، اعتبار و جایگاه اجتماعی و سیاسی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. ترکیب اجتماعی کسانی که زمینه تشکیل جبهه ملی را فراهم ساختند، نشان می‌دهد که بازار در نهضت ملی شدن صنعت نفت نقش سیاسی-اجتماعی و اقتصادی داشته است. سابقه فعالیت سیاسی بازار را باید در تشکیل مجلس وکلای تجار، مشارکت در جنبش تنباکو و نهضت مشروطیت، حضور در مجلس مؤسسان و سقوط سلسله قاجار و نقش کاسبان و پیشه‌وران در تولید امتعه عمومی سالهای آخر سلطنت رضاشاه (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۳۵) جستجو کرد.

بازار در تصویر فرهنگ اسلامی دربردارنده شیوه کلی زندگی است که در برخی تعاریف، فعالیت‌های اقتصادی، حساسیت‌های سیاسی، روابط اجتماعی و عقاید ایدئولوژیک را در چارچوب سنتی خود ارائه می‌دهد (آرننگ، ۱۳۸۳: ۱۴۲). بازار مرکز خرید و فروش بوده، روابط اجتماعی گسترده‌ای داشته و در همراهی با نهاد روحانیت ساختار فرهنگی، اسلامی و

از دیرباز در جامعه ایرانی، بازار هسته اصلی فعالیت اقتصادی به شمار می‌رفت و همبستگی عمیق و همزیستی آن با مسجد و نهاد روحانیت، نقش مهمی در جنبش‌های سیاسی-اجتماعی یک قرن اخیر داشته است که وزنه سیاسی و اجتماعی بازار را به مراتب سنگین می‌کند. بازار، نهادی سیاسی-اجتماعی و اقتصادی است که شامل دکانداران، اصناف، پیشه‌وران، تاجران و کارگران می‌شود و تصویری از فرهنگ سنتی اسلامی را ارائه می‌دهد که قلب فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگ شهری تلقی می‌شود. با این توصیف، در نهضت ملی شدن صنعت نفت، بازار، فعالیت سیاسی-اجتماعی و پشتیبانی مالی خود را در همراهی با جبهه ملی و احزاب حامی آن و همین‌طور نیروهای سیاسی و مذهبی دیگر به نمایش گذاشت. بازار و بازاریان در نهضت ملی شدن صنعت نفت، نخست‌وزیری مصدق و حمایت از تحقق اهداف نهضت، فعالانه نقش مهمی ایفا کردند که نشان از تداوم فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی آن در تاریخ معاصر ایران است.

در مقاله حاضر، نقش بازار و بازاریان در نهضت ملی شدن صنعت نفت از دو منظر سیاسی-اجتماعی و اقتصادی بررسی می‌شود. از یک طرف به رابطه بازار و نهضت ملی شدن صنعت نفت و اهمیت همبستگی بازاریان و روحانیت در پیشبرد نهضت ملی می‌پردازد و از سوی دیگر کمک‌های مالی و اقتصادی که بازار در تنگناهای اقتصادی دولت مصدق در اختیار آن قرار داد تا وضعیت سیاسی و اقتصادی که به دلیل عدم دستیابی به راه‌حل مسأله نفت‌گریبانگیر دولت مصدق شده بود، مبارزه ملی را بی‌نتیجه نگذارد. بنابراین با توجه به اسناد مربوط به نهضت ملی شدن صنعت نفت و منابع و مدارک موجود دیگر که به نقش بازار در این دوره

اتاق تهران را از ۱۵ نفر به ۳۰ نفر به تصویب رسانید که شامل نمایندگان اتحادیه‌های صنفی صنایع و مؤسسات حمل و نقل و شرکت های بیمه، مؤسسات دولتی مانند بانک ملی، شرکت سهامی بیمه ملی ایران و وزارت اقتصاد می‌شدند. بر اساس لایحه اختیارات سال ۱۳۳۱ش/۱۹۵۲م، قانون مالیاتی به تصویب رسید که موجب ناخشنودی تعدادی از تجار برجسته شد. برتری بازاریان متوسط بر تجار بزرگ توسط مصدق در اردیبهشت ۱۳۳۲ش/آوریل ۱۹۵۳م، اعتراض بسیاری از اعضای اتاق را در بر داشت که شامل حاج علینقی کاشانچی، حاج محمدحسن بلورفروشان، حاج عبدالله مقدم، حاج ابراهیم، حاج علی اکبر خسروشاهی، محمد خرازی، حاج عباس اخوان، حاج محمد قریشی، نوشیروانی و تعدادی از بنگاه‌ها و مؤسسات خصوصی می‌شدند (روزنامه کیهان، ۱۳۳۲: ۵). اعتراض آنها به وزارت دارائی بود که از اصناف و پیشه‌وران غیر عضو در اتاق و فاقد کارت بازرگانی، برای عضویت در کمیسیون تشخیص مالیاتی دعوت کرد. پس روشن بود که این امر به همکاری برخی از رهبران قبلی اتاق و سایر تجار مرفه چون نیک‌پور^۱ و خرازی و برادران رشیدی یعنی قدرت‌اله، سیف‌الله و اسدالله در سرنگونی دولت مصدق منتهی شود (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴: ۱۰۵). چنین اختلافاتی میان بازاریان حامی مصدق و غیر آن، پیش از تشکیل جبهه ملی یعنی در سال ۱۳۲۴ش/۱۹۴۵م در مجلس چهاردهم نیز به وجود آمده بود، زمانی که بازاریان اعتراض خود را نسبت به استفاده برخی از بازرگانان از مجوزهای صادراتی که با نزدیک شدن به مقامات دولتی از مجوزها استفاده می‌کردند، نشان دادند. مصدق که رهبری بازاریان معترض در مجلس را بر عهده داشت، نسبت به واگذاری واردات مواد نساجی به معدودی تجار بزرگ، وزیر دارائی را در مجلس چهاردهم مورد انتقاد قرار داد

سنتی شهر را شکل می‌دهد. بازار را می‌توان پایگاه و بنیاد اقتصادی تصور کرد که در جنبش های اعتراضی، سنگری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شد (Ashraf, 30) و به گفته نیکی کدی بازار در مقاومت علیه وابستگی به غرب و گسترش شیوه‌های غربی وحدت داشت (Keddie, 1981: 244).

در هنگام تشکیل جبهه ملی بسیاری از بازاریان سرشناس به آن پیوستند یا اینکه برخی اعضای جبهه ملی مورد حمایت بازار قرار داشتند. از جمله مظفر بقائی، حسین مکی و ابوالحسن حائری زاده. سازماندهی فعالیت سیاسی بازار در طی نهضت ملی شدن صنعت نفت را باید در همکاری آن با جبهه ملی، احزاب و مجامع طرفدار مصدق مشاهده کرد. در مجلس چهاردهم شورای ملی که مصدق نماینده مجلس بود همراه با برخی از تجار اتاق بازرگانی علیه فساد مقامات دولتی سخن گفت و اقدام وی زمینه حمایت بازاریان و اصناف بازار از او را فراهم کرد. به این ترتیب بود که بازاریان انجمن «اصناف و بازرگانان» را در سال ۱۳۳۰ به رهبری حاج محمدحسین راسخ افشار که رییس صنف کفشدوزان بود، تشکیل دادند و به حمایت از جبهه ملی و شخص مصدق پرداختند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۷۴). در این میان حاج محمود مانیان و اعضای خانواده لباسچی از جمله بازاریان تهران بودند که حامی و طرفدار مصدق شدند (ازغندی، ۱۳۸۴: ۱۴۶). در واقع سیاست این انجمن در تضاد آشکار با سیاست های رهبران اتاق بازرگانی قرار داشت که از مبارزه محمدرضا شاه علیه مصدق در فاصله سال های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ شمسی حمایت می‌کردند (سعیدی و شیرین کام، ۱۳۸۴: ۱۰۵). در پایان دوره چهارم اتاق، در اوایل سال ۱۳۳۰ش/۱۹۵۰م دولت مصدق به قصد برگزاری انتخابات دوره بعد با استفاده از قدرت خود لایحه افزایش هیأت نمایندگان

را داشتند تا به این وسیله حمایت خود را از مصدق نشان دهند در حالی که دیگر روحانی سرشناس شهر، سیدنورالدین در رقابت با سیدحسام الدین فالی دستور بازگشایی بازار را داد تا حمایت از مصدق را به نام خویش ثبت کند (قشقایی، ۱۳۶۲: ۱۹۹).

بازار همواره در رابطه و پیوند سنتی و فرهنگی خود با روحانیت قرار داشت و پشتیبانی رهبرانی چون آیت الله کاشانی از بازار سرچشمه می‌گرفت (بیل، ۱۳۷۲: ۳۷۰) به گونه‌ای که در نهضت ملی شدن صنعت نفت، انجمن «اصناف و بازرگانان» به حمایت از آیت الله کاشانی و جبهه ملی تبلیغاتی صورت داد که اغلب در جراید «اصناف»، «بازاریان» و «شاهد» در تهران به چاپ می‌رسیدند (روحانی مبارز آیت الله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۳۸۹-۳۸۵) و حتی در میتینگ‌هایی که در منزل آیت الله کاشانی و از سوی مجمع مسلمانان مجاهد برگزار می‌شد، بازاریان نماینده‌ای داشتند که در حمایت از دولت مصدق فعالیت می‌کرد (روحانی مبارز آیت الله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۱۶). هرچند شبکه‌های ارتباطی بازار متفاوت بود اما پیوند بازار و روحانیت سابقه‌ای دیرینه داشت و همین امر نقش بازار را در فعالیتهای سیاسی برجسته ساخت. این ارتباط در نهضت ملی شدن صنعت نفت نیز به صورت مشخص آشکار است. به طوری که در ماه‌های نخستین زمامداری مصدق، آیت الله کاشانی به بازاری‌ها دستور داد که به وسایل مختلف به مخالفین دولت توهین کنند و در خیابان‌ها و مجامع از هرگونه اهانت به آنها خودداری نکنند و چهره مخالفین دولت را مفتضح و مرعوب نشان دهند (روحانی مبارز آیت‌اله کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ ۴۸۲).

اتحادیه اصناف و بازرگانان در شهرهای مختلف، در تمام تجمعاتی که در پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت صورت می‌گرفت، شرکت داشتند. بسیاری از تاجران

و هیأت رئیسه اتاق با چاپ مقالاتی به این انتقاد پاسخ گفت. در این مناقشه بازاریان متوسط و ملی‌گرا به حمایت از مصدق برخاستند (سعیدی و شاد کام، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

در نهضت ملی شدن صنعت نفت جانبداری بازاریان در اعلامیه‌ای که از سوی اصناف بازار خطاب به آیت‌الله کاشانی و مصدق صادر شد و به امضای بازاریان رسید آشکار است. آنان در اعلامیه خود به پیروی از نیات پدران شهید صدر مشروطیت که همواره در راه مسایل سیاسی روز از پیشوایان دینی و ملی خود تبعیت کرده، جان خود را فدا نمودند برای اعاده حیثیت و ملیت و شادی روان آنها، طالب استیفای حقوق ملت ایران و کوتاه کردن دست جانین استعمارطلب که به نام شرکت غاصب نفت بودند، خواستار حقوق ایران در ملی شدن صنعت نفت شدند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۸). محمد ناصر قشقایی در خاطرات خود می‌نویسد که پس از نخست‌وزیری مصدق همراه تعدادی از بازاریان به نزد سردار فاخر حکمت، رییس مجلس رفته بودند تا پشتیبانی خود را نسبت به دولت مصدق و نهضت ملی شدن صنعت نفت بیان کنند. آنان خواستار حمایت و کمک مجلس به دولت مصدق شدند و هشدار دادند که در صورت عدم همراهی مجلس با دولت، بازارها را به حمایت از مصدق خواهند بست (قشقایی، ۱۳۶۲: ۱۹۴). به نظر می‌رسد که تعطیلی بازار یکی از اقدامات مهم و مؤثر بازاریان در مخالفت با تصمیمات حکومتی به شمار می‌رفت. بازار با چنین شیوه‌ای نقش اثرگذاری را در روند رویدادهای سیاسی و تاریخی داشته است. حتی در میان اختلافات و درگیری‌های گروهی و جناحی، بستن دکان‌ها و تعطیلی بازار یکی از ابزارهای سیاسی برای حذف رقیب بود. به گونه‌ای که در شیراز عده‌ای به دستور سیدحسام الدین فالی قصد بستن بازار

دیگر شهرهای ایران به دنبال داشت. به طور مثال در جریان خلع ید در خوزستان، بازار در کنار دیگر اقشار اجتماعی، اعلامیه‌هایی صادر می‌کرد که همزمان پاسخ‌هایی را از سوی اصناف و بازاریان دیگر شهرها در پی داشت. کسبه بازار به پیروی از «منویات پیشوای بزرگ روحانی خود آیت‌الله کاشانی، خواستار الغای امتیازات نفت ایران و انگلیس و واگذاردن کلیه تأسیسات شرکت مزبور به دولت ایران و ملی شدن صنعت نفت در تمام ایران» شدند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۷).

در سراسر شهرهای ایران، بازاریان در همراهی دیگر گروه‌ها در حمایت و پشتیبانی از نهضت ملی نفت به صدور اعلامیه، برگزاری تظاهرات و میتینگ و سخنرانی پرداختند. به عنوان مثال در هنگام مذاکرات دولت مصدق و هیأت‌های نمایندگی انگلیس و امریکا برای حل مسأله نفت و شکایت انگلیس به شورای امنیت، کسبه بازار شهرهای مختلف بازار را تعطیل کردند و تلگراف‌هایی در حمایت از مصدق به تهران مخابره کردند. حتی زمانی که اعلامیه مشترک بانک بین‌المللی و دولت مصدق صادر شد که تعطیلی کنسولگری‌های انگلیس را به همراه داشت، مغازه‌های شهرهای مختلف مزین به پرچم‌های سه‌رنگ شد. به عنوان نمونه در شهر مشهد یکی از بازاریان در حمایت از مصدق شعری سرود که:

باز مصدق دل دشمن شکست

لانه جاسوسی دشمن بیست

(روزنامه نورایران، ۱۳۳۰: ۱)

بازاریان تهران نیز بیانیه‌ای صادر کردند و اعلام داشتند که «جهانیان بدانند که ملت ایران در این مبارزه حیاتی، به احدی از خائنین رحم نکرده، بار دیگر زنجیر استعمار و اسارت را به گردن نخواهد گرفت و تسلیم نخواهد شد» (سازمان اسناد ملی ایران، پرونده

بازاری و چند روحانی برجسته، فعالانه از مصدق حمایت می‌کردند و حتی در هسته مرکزی نهضت مقاومت ملی که پس از کودتای ۲۸ مرداد شکل گرفت، حضور داشتند (گازیوروسکی، ۱۳۸۴: ۵۰-۴۹). بسیاری از اصناف بازار از حامیان دولت مصدق بودند. صنف چلوکبابی‌ها که حسن شمشیری نماینده آنان به شمار می‌رفت، صنف قهوه‌خانه‌داران به نمایندگی ابراهیم کریم‌آبادی از جمله اصناف حامی دولت مصدق بودند در حالی که اصناف نانویان، قصابان و قنادان در زمره مخالفان مصدق به شمار می‌رفتند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵).

بازاریان تلگراف‌هایی در حمایت از رهبران ملی و مذهبی و تحقق حاکمیت ملی و استقلال کشور به تهران ارسال کردند. به طور مثال بازاریان اصفهان تلگرافی مبنی بر «نفت باید ملی شود» به تهران مخابره کردند که مردم را از هرگونه «تظاهرات بیجا و اقدام بدون تعمق که ممکن است به مرور به ضرر کشور و ملت تمام شود» بر حذر داشت زیرا که «استیفای حقوق ملت را خواستار بودند و با هر گونه اختلاف و دودستگی» مخالف بودند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، سند ۹ بهمن ۱۳۲۹). در منطقه نفت‌خیز خوزستان، بازاریان در پیشبرد ملی شدن صنعت نفت، حفظ منافع ملی و تأمین آزادی را از اهداف مهم جبهه ملی می‌دانستند و خواستار لغو حکومت نظامی و ملی شدن صنعت نفت، به عنوان دو قدم بزرگ در «تأمین آزادی و حفظ ثروت ملی» بودند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۲۹: سند ۱۵).

همسویی بازاریان در رویدادهای مربوط به ملی شدن صنعت نفت، اثرگذاری نقش سیاسی بازار را نشان می‌دهد. به گونه‌ای که هر تصمیمی از سوی اصناف بازار تهران اتخاذ می‌شد، تلگراف‌هایی را از بازارهای

تمایل به مصدق ایراد کردند (ترکمان، ۱۳۶۱: ۵۴-۵۳). یکی از بازاریان به نام حسین رجبی بزاز در اعتراضات شهر همدان قصیده‌ای در مورد شهدای سی تیر به تهران منخبره کرد که مطلع زیر را در بر داشت:

«ای مصدق ز قصاص شهدا دست مدار
زانکه این نکته به الطاف تو مقرون آمد[...]

(ترکمان، ۱۳۶۱: ۵۹۳)

بازار در اتحاد با روحانیت و دیگر گروه‌های طرفدار نهضت ملی شدن صنعت نفت در تمام وقایع نهضت ملی نقش مهمی در پیشبرد اهداف جبهه ملی و نهضت ملی شدن صنعت نفت داشت بطوری که در نهم اسفند ۱۳۳۱ شعبان جعفری کسبه را تشویق کرد تا در اعتراض به خروج محمدرضاشاه مغازه‌های خود را تعطیل کنند اما با وجود تلاشهایی که صورت گرفت بازاریان و تجار طرفدار مصدق توجهی نکرده، سرانجام شعبان جعفری به شکستن در دکانهای بازار پرداخت و جمعیتی را بسیج کرد و به سمت کاخ رهسپار شد (سرشار، ۱۳۸۱: ۱۲۴-۱۲۳). بازاریان با تحصن در شهرهای مختلف ضمن احترام به مقام سلطنت، آمادگی خود را در راه حفظ سلطنت مشروطه و پشتیبانی از دولت مصدق اعلام داشتند (روزنامه خراسان، ۱۳۳۱: ۴) و تعطیل عمومی بازار را تا تصویب گزارش هیأت هشت نفری^۲ ادامه دادند. (روزنامه خراسان، ۱۳۳۲: ۴ و روزنامه سفید و سیاه، ۱۳۳۲: ۴) بازار ضمن تأثیرگذاری سیاسی و اجتماعی، متأثر از فعالیتها و اقدامات گروهها و احزاب دیگر نیز بود. در گزارش‌های سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از بازار به عنوان محلی برای شایعه پراکنی و فراهم ساختن مخالفت با سیاست‌های دولت مصدق یاد شده است (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳). به طور مثال حزب زحمتکشان ملت ایران پایگاه قدرتمندی در بازار داشت زیرا مظفر بقائی مورد حمایت بازاریان بود. حزب توده نیز به تضعیف

۲۹۰۰۰۶۰۲۷، محل در آرشیو ۸۷۱ ن ۲ الف ب ۱، ۱۳۳۰). در دوره دوم نخست‌وزیری مصدق، اصناف و کسبه بازار در سراسر شهرهای ایران همگام با دیگر اقشار جامعه و گروه‌های سیاسی و اجتماعی، به حمایت از مصدق پرداختند و در تلگراف‌هایی اظهار کردند که «به کوری چشم دشمنان ملت، قاطبه اهالی شهرهای ایران تا پای جان آمادگی خود را برای گرفتن اختیارات دکتر مصدق» اعلام می‌کنند (مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی، پرونده نفت، بهمن ۱۳۳۱: سند ۱).

در وقایع دیگر این دوره تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ می‌توان نمونه‌های قابل توجهی از حضور بازار و بازاریان را مشاهده کرد. در مشهد در آستانه قیام سی تیر، بازاریان در همراهی با حزب ایران دکان‌های خود را تعطیل کرده، به تشویق اعضای حزب مذکور از بازاریان خواسته شد در صورت اصرار مأموران نظامی برای بازکردن مغازه‌ها، با فریاد «انقلاب» خود را آماده مبارزه کنند (سازمان اسناد ملی ایران، تیر ۱۳۳۱: ۳-۴-۶۳-۵-۲۹۸، ۲۷). در طی استعفای مصدق پس از پیشنهاد وزارت جنگ و عدم پذیرش از سوی محمدرضاشاه، بحران پایتخت همزمان با رسیدن خبر استعفای مصدق به بازار آغاز شد. اصناف و بازاریان، مغازه‌ها و کارگاه‌های خود را بسته، در میدان مرکزی بازار گرد آمدند و مردم را تشویق کردند تا روز بعد در اطراف مجلس تظاهرات کنند. حتی یک کمیته پارلمانی بررسی کننده حوادث سی تیر ۱۳۳۱ در آن هنگام اعلام کرد که خونین‌ترین برخوردها در چهار محله شهر روی داده است: بازار به ویژه بازار فرش فروشان، عطاران و آهنگران، مردم که با فریاد «یا حسین» به شدت با ارتش درگیر شده بودند (تهران مصور، ۲۴ تیرماه ۱۳۳۲) و نطق‌هایی درباره رفتار نامطلوب عده‌ای از سناتورها در خودداری از عدم رأی

همکاری با دولت جدید سر باز می‌زدند. آنها نهضت مقاومت ملی را که پس از کودتا برای مقابله با دولت زاهدی تشکیل شده بود، از لحاظ مالی حمایت می‌کردند و دولت جدید در پاسخ به اعتصابات آنها گاه علناً سقف حجره‌هاشان را خراب می‌کرد یا به نحوی پنهان کارانه‌تر، بخشی از سراهای مرتبط به هم و وسیع را که بازار مرکز تهران را تشکیل می‌داد به آتش می‌کشید (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۱۱۱-۱۱۰).

در دوره نخست‌وزیری مصدق هرگاه بازاریان تقاضاهایی داشتند، از طریق محمدحسن شمشیری به نخست‌وزیر اطلاع می‌دادند و در سراسر دوره زمامداری مصدق وی حتی به عنوان نماینده بازاریان، تقاضایی نامشروع تسلیم نکرد و مصدق به شمشیری دستور داده بود به بعضی از احزاب ملی کمک مالی کند و شمشیری نیز از گروهی از بازاریان طرفدار نهضت ملی از قبیل حاج حسن قاسمیه، حاج ابراهیم کریم‌آبادی، حاج احمد حاج حریری، حاج نوروزعلی لباسچی، حاج محمدحسین راسخ افشار و حاج محمود مانیان، جوهری می‌گرفت و به احزاب کوچک طرفدار جبهه‌ملی مثل جمعیت آزادی مردم ایران (جاما) می‌پرداخت. در پاییز ۱۳۳۰ش/۱۹۵۱م که مصدق اوراق قرضه ملی منتشر کرد، شمشیری بزرگترین خریدار بود و مبلغ دویست هزار تومان پرداخت. همچنین سه میلیون تومان دیگر در اختیار بانک بیمه گذاشت که بدون بهره به فقرا و مستمندان وام بپردازد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۱۳۴-۱۳۳).

به هنگام تحریم جهانی خرید نفت ایران، بازاریان با تلاش برای افزایش صادرات غیر نفتی از ۴ / ۳۹۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۰/۱۹۵۱ به ۸ / ۴۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۳۲ش/۱۹۵۳م حمایت خود را از مصدق به اثبات رساندند. در دولت مصدق و طرح آن مبنی بر افزایش درآمدهای عمومی، با تعطیل کردن

هواخواهی از مصدق در میان بازاریان پرداخت. به این ترتیب بازاریان دستاویز نیروهای سیاسی قرار می‌گرفتند که مخالف سیاست های دولت مصدق بودند. برخی روحانیون مخالف با اثرگذاری بر باورهای بازاریان همراه با دلالتان سیاسی خرده‌پا به شایعه پراکنی در بازار می‌پرداختند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵). به این ترتیب بود که پایگاه موافقان و مخالفان دولت در بازار شکل گرفت. با وجود این، در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تنها بازار بود که در اعتراض به کودتاچیان به تعطیلی عمومی اقدام کرد. روزنامه‌های مخالف دولت مصدق (اطلاعات و کیهان) از فرصت استفاده کرده، نوشتند که بازار تا بازگشت اعلیحضرت به ایران تعطیل است. در همین زمان روحانیون طرفدار مصدق، سه نفر از علمای حوزه علمیه تهران که از طرفداران مصدق بودند، حاج سیدرضا زنجانی، سیدحسن رسولی و میر سیدعلی رضوی قمی، بیانیه‌ای صادر کردند و از بازاریان خواستند به منظور خنثی کردن تبلیغات سؤ دولت کودتا، بازار را باز کنند و سپس هماهنگ با سایر نیروها و اقشار مردم واکنش مناسب نشان دهند. بازاریان نیز با توجه به درخواست روحانیت بازار را باز کردند (یزدی، ۱۳۸۳: ۱۰۵-۱۰۴).

ب- نقش اقتصادی بازار

فعالیت بازار به برپا کردن تظاهرات و سخنرانی محدود نمی‌شد بلکه بیشتر مخارج نهضت ملی به وسیله بازار تأمین می‌شد به ویژه بازارهای تهران، مشهد و اصفهان. حاج حسن شمشیری، حاج محمود مانیان و چند تن از اعضای خاندان لباسچی از جمله فعالترین افراد نهضت در بازار تهران بودند. بازار تا زمان کودتا و حتی پس از آن به مصدق و نهضت وفادار ماند. بسیاری از رهبران آن به زندان افتادند و دولت پس از کودتا، آنان را مورد تضيیقات قرار داد. زیرا همچنان فعال بودند یا از

دولت مستقر شد، بازار به پشتیبانی دولت مصدق تعطیل کرد. زد و خورد از بازار تهران آغاز شد و به بازارهای آبادان، کرمان، شیراز، تبریز، اصفهان، رشت، قم، کرمانشاه و قزوین سرایت کرد. رئیس شهربانی اصفهان گزارش داد که هزاران نفر از پیشه‌وران و اصناف مختلف دکان‌های خود را بسته، به حمایت از مصدق در تلگرافخانه گرد آمده‌اند. در ۲۲ آبان ۱۳۳۲ ش/۱۲ نوامبر ۱۹۵۳م، حکومت برای تنبیه بازار به دلیل حمایت از مصدق تصمیم به خراب کردن سقف بازار گرفت (جباری، ۱۳۷۹: ۱۳۷-۱۳۶).

ابوالقاسم لباسچی از بازاریان طرفدار مصدق به رابطه بازار و دولت مصدق و عملکرد آن اشاره دارد که بازاری‌ها در کوچکترین حرکت‌ها دخالت می‌کردند و به نام جامعه بازرگانان، اصناف و پیشه‌وران هر اختلافی پیش می‌آمد به حضور رییس دولت مصدق می‌رفتند تا نظر خود را ارائه کنند و تا قانع نمی‌شدند مصدق اجازه خروج به آنان را نمی‌داد (لاجوردی، ۱۹۸۲: ۷-۵). هواداری از مصدق و دولت وی از سوی بازاریان به واسطه وجود شرایط مساعد اقتصادی در این دوره نبود. بلکه پیوندی بود که در تحقق اهداف ملی شدن صنعت نفت با دولت صورت گرفت. بازار، مرکز اصلی داد و ستد در شهرهای ایران و نهادی اجتماعی، مذهبی و اقتصادی محسوب می‌شود و به عبارتی مرکز عالی برای روابط عمومی تجاری و مبادلاتی بوده است (هارتلی، ۱۳۸۶: ۲ و ۳). بر این اساس همواره بازار در تلاش برای حفظ استقلال خود بود. اهمیت بازار و تأثیری که بر اقشار اجتماعی دیگر داشته، آن را مرکزی برای تبلیغات ضدحکومت قرار داد به گونه‌ای که در زمینه‌سازی کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ مرکز نشر شایعات و اعتراضات به شمار می‌رفت (وطن‌دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳-۱۹۲). حتی به دلیل تعطیلی دانشگاه و مدارس در آستانه

بازار، شرکت در تظاهرات و خرید اوراق قرضه ملی از دولت مصدق پشتیبانی کردند. زمانی که جبهه ملی به عنوان یک گروه مخالف قوی علیه قدرت دربار مبارزه می‌کرد، بسیاری از بازاری‌ها از این جبهه حمایت کردند. با وجودی که بازاریان از نظر سیاسی و اقتصادی به حمایت و پشتیبانی از ملی شدن صنعت نفت و دولت مصدق پرداختند اما منافع اقتصادی و اجتماعی در شکل‌گیری گرایش‌های بازاریان مؤثر بود. زیرا از یک طرف نیروها و احزاب سیاسی، بازار را دستاویز مخالفت با دولت مصدق قرار می‌دادند و از سوی دیگر به تصویر کشیدن ناخشنودی از وضع اقتصادی دولت، بازاریان را دچار سردرگمی کرد. البته بسیاری از بازاریان که در تمام دوره مصدق همراه او بودند پس از کودتا نیز به حمایت از وی پرداختند اما در مورد واکنش‌های بازاریان باید گفت تولیدکنندگان کوچک و صادرکنندگان از مصدق هواداری می‌کردند ولی واردکنندگان معمولاً در شمار مخالفان او به شمار می‌رفتند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵؛ کاتوزیان، ۱۳۶۸: ۲۱۰).

عصر روز جمعه ۳۰ مرداد ۱۳۳۲، با وجودی که دستور بازکردن بازار و ادارات دولتی از رادیو اعلام شد تا وقتی این دستور طی اعلامیه‌ای به امضای مؤسسين اصلی و فعال نهضت مقاومت ملی نرسید، بازاریان دکانهای خود را باز نکردند. نهضت مقاومت ملی در برابر کودتا کمیته‌هایی تشکیل داده بود و کمیته‌های بازار و دانشگاه تهران مراکز عمده مقاومت در برابر کودتا بودند و از فعال‌ترین نهادهای سیاسی نهضت مقاومت ملی به شمار می‌رفتند. بازاریان در این کمیته به رغم خشونت‌های فرمانداری نظامی از جمله خراب کردن قسمتی از سقف بازار، زندانی کردن بازاری‌ها و حتی تبعید آنها، از پای ننشستند و به مبارزه ادامه دادند. زمانی که ارتش در نقاط مختلف شهر برای برانداختن

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به طور مشخصی تقابل نیروهای مخالف و موافق دولت مصدق را به نمایش گذاشت.

نتیجه

نهضت ملی شدن صنعت نفت از جمله حرکت های سیاسی و اجتماعی بود که اهداف خود را در راستای حاکمیت ملی و استقلال تعریف کرد. تحقق این اهداف به منظور تسلط بر منابع و منافع ملی و کوتاه کردن دست بیگانه از امور داخلی مورد قبول و پذیرش عموم قرار گرفت و مشارکت سراسری را در جهت حمایت از جبهه ملی، نخست وزیری مصدق و پیشبرد تصمیم ملی شدن صنعت نفت به دنبال داشت. بازار و بازاریان به عنوان بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی فعال در جامعه ایران با فعالیت اقتصادی و سیاسی در ملی شدن صنعت نفت به حمایت از نهضت پرداختند:

- حمایت مالی؛ خرید اوراق قرضه ملی از دولت به منظور کمک به افزایش درآمدهای عمومی پس از تحریم نفت ایران؛

- تعطیل بازار؛ حرکت اعتراض آمیز در حمایت از دولت مصدق در تقابل با حاکمیت؛

- شرکت در تظاهرات.

بازار در هر کدام از این اقدامات روابط خود با دولت را در راستای تحقق اهداف نهضت دنبال کرد. ایده ملی شدن منابع، پایان دادن به تسلط خارجی بر امور داخلی، عامل پیوستن اقشار مختلف اجتماعی به یکدیگر و همکاری آنان برای مشارکت در عرصه سیاسی بوده است. البته این ایده با ساماندهی جبهه ملی و شکل دهی توسعه سیاسی و اقتصادی تحت رهبری ملی و مذهبی معنا پیدا می کرد. نقطه اشتراک و پیوند گروه های مختلف سیاسی و اجتماعی در سیر ملی شدن صنعت

کودتای ۲۸ مرداد، تنها نهاد اجتماعی که می توانست در کودتا از خود واکنش نشان دهد، بازار بود.

در ماههای پایانی دولت مصدق، مخالفان وی به شیوه ها و شبکه های ارتباطی متفاوت سعی در تحریک حامیان وی داشتند و بازار نیز در این مورد بی تأثیر از جهت گیری ها و گرایش های مختلف نبود. هر چند نقش سیاسی مؤثری را با حمایت از نهضت ملی شدن صنعت نفت در جبهه ملی از خود نشان داد و با کمک های مالی که به دولت مصدق اهدا کرد نیز اهمیت اقتصادی اثرگذاری داشت اما با روش هایی چون رشوه گرفتن برخی رهبران بازاری و یا شایعه پراکنی در مورد وضعیت نامساعد اقتصادی از سوی نیروهای مخالف دولت، دچار سردرگمی شد و معاون اتاق بازرگانی، محمدرضا خرازی در اردیبهشت ۱۳۳۱ در گزارشی که به محمدرضا شاه تحویل داد ناخشنودی بازرگانان عمده و بازاریان را منعکس کرد و توجه عمومی را نسبت به این تصویرِ نومیدانه جلب کرد تا بر دامنه دشواریهای اقتصادی دولت مصدق بیفزاید (عظیمی، ۱۳۸۴: ۳۷-۳۵). تصویر اوضاع بد اقتصادی به گونه ای تأثیرگذار بود که برخی بازاریان طرفدار دولت مصدق از شرایط پیش آمده ابراز نارضایتی کرده: سیاست های غلط و اشتباه دولت مصدق را عامل گرفتاری و تنگناهای اقتصادی قلمداد کردند و شایعه های گروه های مختلف و بزرگنمایی مشکلات سیاسی و اقتصادی دولت مصدق که از طریق کساد، اقتصاد، معاملات و کاهش واردات و موجودی پول (وطن دوست، ۱۳۷۹: ۱۹۳) به تصویر کشیده می شد، مخالفت با مصدق را شدت می داد و در آستانه کودتا زمزمه های مخالفت برخی حامیان مصدق که در بازار بودند به گوش می رسید. همان طور که گفته شد رفتار سیاسی و اقتصادی بازار متأثر از جابجایی نیروهای سیاسی، وفاداری ها و منافع اقتصادی و اجتماعی آنان قرار داشت که در نهایت در

۲- پس از اجرای نهم اسفند ۱۳۳۱ که اختلافات میان دولت و مجلس را شدت بخشید، مجلس در جلسه مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۳۱ هیأت هشت نفری را انتخاب کرد شامل دکتر معظمی، دکتر سنجابی، حسین مکی، مظفر بقائی، حائری زاده، رفیع، جواد گنج‌های و مجدزاده که با امعان نظر در قانون اساسی و مذاکره با طرفین، یافته‌های خود را به مجلس گزارش دهند (موحد، ۱۳۸۳: ۷۳۶/۲).

منابع

الف) اسناد

- سازمان اسناد ملی ایران (۱۳۳۰) پرونده ۲۹۰۰۰۶۰۲۷، محل در آرشیو ۸۷۱ ن ۲ الف ب ۱.
- (۱۳۳۱) سند ۳-۶۳-۵-۲۹۸ و ۴-۶۳-۵-۲۹۸، ۲۷ تیر.
- مرکز اسناد کتابخانه مجلس شورای اسلامی (۱۳۲۹) پرونده نفت، سند ۷ بهمن.
- (۱۳۲۹) پرونده نفت، سند ۸ بهمن.
- (۱۳۲۹) پرونده نفت، سند ۹ بهمن.
- (۱۳۲۹) پرونده نفت، سند ۱۵ بهمن.
- (۱۳۳۱) پرونده نفت، سند ۲۹ دی.

ب) کتب فارسی

- ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: قومس.
- بیل، جیمز و راجر لوئیس (۱۳۷۲) مصدق، نفت و ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: نشر گفتار.
- ترکمان، محمد (۱۳۶۱) قیام سی تیر به روایت اسناد و تصاویر، تهران: دهخدا.
- توکلی، احمد (۱۳۸۰) کامیابی‌ها و ناکامی‌های بازار دولت، تهران: انتشارات سمت.

نفت در دستیابی به اهداف تعریف شده نهضت بود. بنابراین بازار و بازاریان که در پی آگاهی درون‌گروهی خود نسبت به ورود کالاهای خارجی تصمیم به تشکیل مجلس وکلای تجار در سال ۱۳۰۱ قمری گرفته بودند تا امنیت، مالکیت فردی و تولید کالای وطنی را تحقق بخشند، برای استقلال ایران، حاکمیت ملی، تحقق توسعه سیاسی و اقتصادی به دنبال تسلط بر امور داخلی و در دست گرفتن منافع حاصل از منابع ملی به اشکال مختلف تعطیلی بازار، تظاهرات، کمک مالی و اقتصادی، نهضت ملی را همراهی و حمایت کردند و در پیوند خود با نیروهای اجتماعی و سیاسی دیگر، همسویی و همگرایی با اهداف نهضت را عامل اصلی تحقق آرمان‌های نهضت می‌دانستند. در واقع بازار در بخش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به مشارکت با نیروهای سیاسی پرداخت. در عرصه سیاسی با جبهه ملی و احزاب حامی نهضت ملی همکاری کرد و از نخست‌وزیری مصدق حمایت نمود و در عرصه اقتصادی، کمک‌های مالی خود را در مسیر تأمین دولت مصدق به کار گرفت. در واقع بازار تلاش کرد تا با اقدامات مختلف و روابط متنوع خود نقشی مهم در تحقق اهداف نهضت ملی شدن صنعت نفت داشته باشد.

پی‌نوشت


۱- حاجی نیک پور از تجار بزرگ بازار، مشهور بود که منزل او روزهای جمعه به روی بازاری‌ها از هر طبقه باز بوده تا آنان مشکلاتشان را با او در میان بگذارند. نقش او همچون امین‌التجار بوده که علاوه بر مسئولیت اتاق بازرگانی که در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۲ در دست داشت، مسئولیت اتحادیه اصناف بازار را نیز که در سال ۱۳۲۶ تأسیس شده بود، بر عهده داشت (جباری، ۱۳۷۹: ۱۳۸).

- جباری، مینا (۱۳۷۹) همیشه بازار، تهران: آگه.
- روحانی مبارز آیت الله کاشانی به روایت اسناد (۱۳۷۹) جلد اول، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی.
- رهبری، هادی (۱۳۸۷) **تجار و دولت در عصر قاجار: از همزیستی تا رویارویی**، تهران: کویر.
- سرشار، هما (۱۳۸۱) **شعبان جعفری**، تهران: نشر ثالث.
- سعیدی، علی اصغر و فریدون شیرین کام (۱۳۸۴) **موقعیت تجار و صاحبان صنایع در ایران دوره پهلوی: سرمایه داری خانوادگی لاجوردی**، تهران: گام نو.
- عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۳) **حاکمیت ملی و دشمنان آن**، تهران: نگاره آفتاب.
- قشقایی، محمدناصر (۱۳۶۲) **سالهای بحران**، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۶۸) **اقتصاد سیاسی ایران**، ترجمه محمدضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۱) **مصدق و نبرد قدرت در ایران**، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۲) **مصدق و مبارزه برای قدرت**، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: نشر مرکز.
- گازیوروسکی، مارک و مالکوم برن (۱۳۸۴) **مصدق و کودتا**، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: قصیده سرا.
- لاجوردی، حبیب (۱۹۸۳) **مجموعه مصاحبه‌های ابوالقاسم لباسچی**، فرانسه-پاریس.
- موحد، محمدعلی (۱۳۸۳) **خواب آشفته نفت**، ج۳، تهران: کارنامه.
- وطن دوست، غلامرضا (۱۳۷۹) **اسناد سازمان سیا درباره کودتای ۲۸ مرداد و براندازی دکترمصدق**، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- هارتلی، جان پتریک (۱۳۸۶) **بازار اصفهان در مواجهه با مدرنیسم**، پایان نامه کارشناسی ارشد، اصفهان: دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴) **سرنوشت یاران مصدق**، تهران: انتشارات علمی.
- یزدی، ابراهیم (۱۳۸۳) **جنبش دانشجویی در دو دهه ۱۳۴۰-۱۳۲۰**، تهران: قلم.
- ج) مقالات**
- احمدزاده، میرحواص (۱۳۸۳) «بازرگانان و مشروطیت ایران تا صدور فرمان عدل مظفری»، به کوشش ناصر تکمیل همایون، جلسه دوم، مرکز بازشناسی اسلام و ایران: ۹۳.
- اشرف، احمد (۱۳۷۴) «نظام صنفی و جامعه مدنی»، **ایران نامه**، سال ۱۴، ش ۱: ۴۰-۵.
- شهشهبانی، سهیلا (۱۳۷۴) «خوانین ممسنی»، **آینده**، ج ششم، ش ۱۲-۷۲۶: ۹.
- کشاورزبان، آرنگ (۱۳۸۳) «در جستجوی مفهومی برای بازار»، **مجله گفتگو**، شماره ۴۲: ۱۷۳-۱۴۱.
- میدری، احمد (۱۳۸۳) «اصناف و دولت»، **مجله گفتگو**، شماره ۱۰۸: ۴۱-۷۹.
- والی نژاد، مرتضی (۱۳۸۱) «کارکرد بازاریان و بازرگانان در دوره قاجاریه تشکیل مجلس تجارت»، **نامه اتاق بازرگانی**، ش ۱۱: ۱۴-۹.
- د) پایان نامه**
- ه) مطبوعات**
- تهران مصور، ۲۴ تیرماه ۱۳۳۲ ش.

- روزنامه خراسان، سال ۴، شماره ۱۰۶۳، سه‌شنبه ۱۲ اسفند ۱۳۳۱.
- روزنامه خراسان، سال ۴، شماره ۱۰۹۳، جمعه ۲۸ فروردین ۱۳۳۲.
- روزنامه سفید و سیاه، سال ۲، شماره ۵۳، چهارشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۳۲.
- روزنامه کیهان، ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ ش.
- روزنامه نور ایران، سال ۳، ش ۱۵۸، سه‌شنبه ۱ بهمن ۱۳۳۰.

ز) منابع لاتین

- Ashraf, A, **Encyclopedia Iranica**, S.V. "Bazaar; Socioeconomic and Political Role of the Bazaar".
www.iranicaonline.org, part B; Bazaar.
- Keddie, N (1981) "Rots of revolution; an interpretive history of modern Iran, Yale University Press.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی